

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

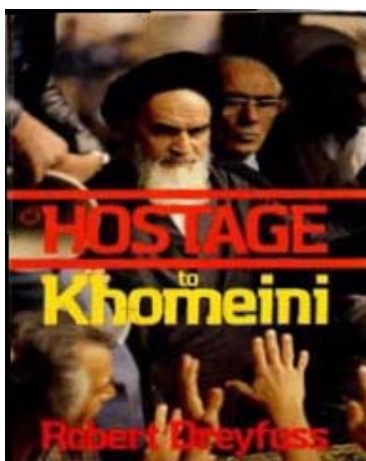
Historical

تاریخی

نویسنده: رابرت دریفوس
برگردان از: داکتر فرهاد زرگر
۲۳ جون ۲۰۱۸

گروگان نزد خمینی

۱۹



فصل نهم

به ادامه گذشته:

یکی از این مراکز که مقداری از پول‌ها به آن واگذار شد، مؤسسه پژوهش‌های مدیریتانه‌ی بود که به وسیله پال ویل (Veille) یک جامعه شناس پاریس و ابوالحسن بنی‌صدر تأسیس شد، و بنابراین معلوم نبود که شاه آگاه است یا خیر که خودش به بنی‌صدر پول می‌رساند.

گارودی شخص مهمی در دستگاه اطلاعاتی انگلستان است. او بیش از حد در بین چپی‌های دو آتش الجزیره و در ایران بعد از انقلاب شهرت دارد. و نیز یکی از نزدیکترین مشاوران معمر قذافی در لیبیا شد. گارودی یکی از تنورسین‌های پیشین حزب کمونیست است که از طریق نفوذ پرلبرت (Pere Lebert) که یکی از مسؤولین مسیحی کاتولیک در افریقا و زیرساخت اجتماعی مذهب خرافی جادوگری به شمار می‌رفت از سوی کاتولیک رُم به اطرافیان خمینی نزدیک شد. در سال ۱۹۷۷ گارودی دو نهاد بنیان گذاشت، یکی مؤسسه علمی بین‌المللی برای مذاکره تمدن‌ها، و دیگری دانشگاه زیست شناسی در سنگال. در ماه‌های اخیر مقالات زیادی در نشریات فرانسوی منتشر می‌کرد که تحت عنوان انرژی اتومی به معنای تهدیدی به تمامیت موجودیت کره زمین و برای شکستن اتحاد بین انسان و طبیعت به چاپ می‌رسید.

گارودی، همچنین در ژورنال مردم مدیترانه که در سال ۱۹۷۷ به عنوان کانال کنترل مأمورین اطلاعاتی انگلیس در بین شبکه رادیکال‌های جهان سوم بود، مقالاتی منتشر می‌کرد.

در جون ۱۹۸۰، گارودی در کنفرانس امریکا - ایران که در تهران به وسیله بنی‌صدر ترتیب داده شده بود، شرکت کرد. در این کنفرانس دادستان کل سابق امریکا رمزی کلارک هم حضور داشت. قبل از این که گارودی با همراهان اروپایی خود، که از پیروان برتراند راسل بودند، به سوی تهران حرکت کند، یک بررسی عجولانه از کتاب «کدام انقلاب برای ایران» نوشته بنی‌صدر کرد و آن را ستایش نمود. گارودی نوشت: «کتابی با این مطالب ارزشمند، نه فقط برای دگرگونی کشورهای در حال توسعه، بلکه حتی برای تغییر دگرگونی کشور ما هم مفید است و تا دیر نشده باید بجنبیم و از آن بهره مند شویم بنا به گفته‌های گارودی، بنی‌صدر بدرستی مشخص کرد که انقلاب مردم ایران به عنوان «قیام علیه رشد و توسعه مدل غربی» و مخالف این باور است که «وظیفه اصلی دولت‌ها در جهان مدل پیشرفته امروز ما توسعه اقتصادی، رشد مصرف، ترقی و آموزش و پرورش می‌باشد.

گارودی در پایان گفت: «ما باید از رئیس جمهور بنی‌صدر سپاسگزار باشیم که از طریق کتاب زیبایش راه آینده را می‌توانیم پیش‌بینی کنیم اگر از راه انرژی اتمی، مسیری را که مشابه مسیر نفت است، به کار بگیریم، یعنی راه پوسیده تکنوکراتیک که در آن راه همیشه متکی به قدرت‌های خارجی خواهیم بود، هم منابع مادی و هم معنوی خود را از دست خواهیم داد. نفوذ گارودی بر روی بنی‌صدر، یکی از نفوذهای بیشمار بود که در دوران زندگی‌اش در فرانسه به او منتقل شده بود. بنی‌صدر یک محصولی از مجموعه افراد و شخصیت‌های مستقل و مؤسساتی است که شوک‌های تروریستی خلق کردند، نمونه بارز آن بریگارد سرخ در ایتالیا است. تجربه بنی‌صدر از این لحاظ بی‌نظیر نیست، بیشتر همکاران او که هم‌اکنون در تهران هستند، و بیشتر مشاورین خمینی، یا مانند بنی‌صدر در مجموعه جامعه‌شناسی و قدمت شناسی فرانسه آموزش دیده‌اند و یا در مؤسسات و دانشگاه‌هایی که در امریکا علیه جامعه صنعتی کار می‌کردند، مانند استنفورد - برکلی، در کالیفرنیا، و یا هاروارد - ام‌آی‌تی، در ماساچوست، تعلیم دیده بودند. در تمام این موارد، این گروه برجستگان دولت بعد از سرنگونی شاه، همگی آموزش دیده‌هایی با دیدگاه‌های تنفرآمیز ضد غربی بودند، ساختمان فکری آنها یک فرمول ساده یعنی «شاه مساوی غرب» بود.

چندین سال پیش از آن، یک نخبه دیگر یعنی پال‌پات-اینگ ساری قاتل مردم کامبوج، که قرار بود نسل‌کشی او تحت عنوان انقلاب فرهنگی برای بنی‌صدر و همدستانش در ایران نمونه شود، در همین مؤسسات آموزش دیده بود. کیو سامفان رئیس جمهور کامبوج در دوره انقلاب پال‌پات، در مرکز دانشگاهی سوربن که بنی‌صدر هم در آن درس خوانده بود تعلیم دیده بود.

استادان نزدیک بنی‌صدر و راهنمایان او از چهار انیستیتوی بسیار نزدیک به هم یعنی؛ بخش جامعه‌شناسی- مردم شناسی، مرکز ملی پژوهش‌های علمی، و بخش ششم دانشکده عملی مطالعات عالی (EPHE-6) و مؤسسه ملی برای تحقیقات گیاه‌شناسی بودند. مهمترین این بنیادها EPHE-6، است که استاد راهنمای تز بنی‌صدر یعنی پروفیسور جورج بلندیز که زمانی خودش دانشجوی عادات و رسوم قبایل افریقائی بوده آموزش داده است. EPHE-6 نیز زمینه‌ای برای جنبش ضد انرژی اتمی در فرانسه است و اصلاحات کشاورزی مائویستی را زیر نظر بلندیز مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنی‌صدر همچنین مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر دیدگاه‌های افراد نامبرده در زیر قرار گرفت:

۱- پال بیل جامعه‌شناس مارکسیست از سی‌ان‌اراس و انستیتو برای پژوهش‌های مدیترانه‌ای

۲- رنه دومانت، گیاه‌شناس رادیکال در CNRS که رئیس افتخاری دوستداران زمین و بنیان‌گذار اکورپا ست اکورپین-ها یک سازمان پوششی طرفدار محیط ریست هستند. دومانت همچنین مشاور بانک جهانی است که از کوبا و الجزیره

به اتهام جاسوسی برای سازمان سیا اخراج شده. در سال ۱۹۷۶ دومانست سرپرستی یک گروه تحقیقاتی برای سیستم کشاورزی در ایران را به عهده داشت، و از آن تاریخ به بعد نیز مشاور خمینی شد.

۳-میشل کروزیئر تنوریسین ephe-6 از بنیاد توایزتوک در دانشگاه ساکس انگلیس که او هم در بی‌ثبات کردن دولت شارل دوگل در سال ۱۹۶۸ در فرانسه دست داشت.

۴-ژان پیر ویژیئر دانشمند چپ در سی‌ان‌آراس که مخفیانه در سال ۱۹۶۸ مرکز رهبری انقلاب علیه دوگل را اداره می‌کرد.

شخصیت‌های دیگری نیز که با بنی‌صدر همکاری کردند، عموماً در برنامه اطلاعاتی انگلیس و اسرائیل برای بی‌ثبات کردن رئیس‌جمهوری دوگل و کشور فرانسه در سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ کار می‌کردند. که از آنجمله می‌توان: میشل بوکلت، ژاک سوئل، چارلز بتلهیم، کلود لویستراس، و مرحوم هنری کوربین را نام برد. این افراد به وسیله بنیاد صلح برتراند راسل از یک سو و بنیاد لیلیو بسو که یک مؤسسه چند ملیتی است و همچنین به وسیله رمزی کلارک و ریچارد فالک از شورای روابط خارجی نیویورک از سوئی دیگر پشتیبانی می‌شدند. که باید از کلیه آنها به خاطر ترس و وحشت حاضر در ایران که بنی‌صدر آن را کامبوج کردن ایران از راه متقاعد ساختن مردم می‌نامد تشکر و سپاسگزاری کرد!

فصل دهم

«عامل شوروی، کیم فیلیپی»

فاسدترین و شیطانی ترین بخش مخفی انقلاب خمینی وقتی به ظهور رسید که آشکار شد چگونه بسیاری از سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای قدرتمند، با هم همکاری کردند تا خمینی را اول بی‌نهایت بزرگ و مهم کرده و سپس به قدرت رسانند.

سرویس اطلاعاتی انگلیس با استفاده از منابع اطلاعاتی امریکا، اسرائیل و نیز شوروی، برای به قدرت رساندن خمینی نقش هماهنگ کننده اصلی را در این مورد اجراء کرد. بالاخره روزی، با تحقیقات کامل از دسیسه‌های صف نیروهای پشت پرده، که باعث پیدایش خمینی شدند، یکی از بحث‌برانگیزترین و مهم‌ترین رازهای جاسوسی قرن بیستم آشکار و روشن خواهد شد. این راز که هنوز مبهم مانده است داستان «فرد سوم»، یعنی جنرال هرالد آدرین راسل است که در ارتباط با کیم فیلیپی، از ک.جی.بی و کمیته امنیتی شوروی می‌باشد.

کیم فیلیپی، زمانی یکی از برجسته‌ترین رؤسای اطلاعاتی انگلیس در دوران جنگ جهانی دوم، و مسئول آموزش دادن به افسران امریکائی در دفتر اداره خدمات ستراتیژیک بود که بعداً به سی.آی.اِ تغییر نام یافت. در میان افسران دانشجو یک نفر به نام جیمز جسیس انگلتن بود که بعداً به ریاست بخش ضد اطلاعاتی سیا رسید و تا زمان کنار گذاشتن او از این پُست در سال ۱۹۷۳ در این پست باقی ماند.

بر اساس داستان‌های رسمی سرویس‌های اطلاعاتی، در دستگاه جاسوسی انگلیس، دو جاسوس مشکوک شوروی بنام‌های برگس و مک‌لین وجود داشت، که هر دوی آنها پیش از این که تحقیقات رسمی دولت انگلیس علیه آنها کامل شود و آنها شناسائی شوند، در سال ۱۹۵۱ به طرز حیرت‌انگیزی به شوروی پناهنده شدند. بعد از این اتفاق، برای مدت پنج سال جهان سراسر پر از حدس و یقین در مورد مشخصات شخص سوم بود که راه فرار را برای برگس و مک‌لین از بریتانیا به شوروی فراهم کرده است. بالاخره در سال ۱۹۵۵ کیم فیلیپی رسماً به عنوان سومین شخص شناخته شد. پس از آن کیم از طرف دولت انگلستان مورد عفو و بخشش قرار گرفت و یک پُست نیمه رسمی اطلاعاتی به او واگذار شد. در طول سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ کیم فیلیپی به تدریج کلیه شبکه مهم اطلاعاتی در تاریخ جاسوسی امپراتوری بریتانیا را در منطقه خاورمیانه، که در اختیار پدرش سنت جان فیلیپی بود، در اختیار خود گرفت. وقتی این تغییر قدرت از پدر به پسر کامل شد، کیم فیلیپی تحت پوشش فراری از خاورمیانه به شوروی رفت. رژیم مسکو فیلیپی را سال‌های زیادی در سکوت در کار ذخیره اطلاعاتی نگه داشت، تا دقیقاً در زمانی که تبلیغات انقلاب اسلامی خمینی در لندن به اوج رسیده بود، دوباره «کیم» آشکار شد و نام او بر سر زبان‌ها افتاد. بعد از سال‌های زیادی سکوت رسمی در سال ۱۹۷۸، فیلیپی در وزارت امور خارجه شوروی به سمت هماهنگ کننده برنامه‌ریزی برای سوریه، عراق، اردن و شبه جزیره عربستان منصوب شد. سال بعد در ۱۹۷۹ وقتی خمینی در تهران قدرت را به دست گرفت، کیم فیلیپی در سازمان اطلاعاتی ک.جی.بی به درجه جنرالی ارتقا یافت، سپس به طور ناگهانی نشریه ایزوستیا مصاحبه بی‌نظیری در سال ۱۹۸۰ با کیم فیلیپی جاسوس برجسته بریتانیا ترتیب داد، که این خود نشانه اعتماد کامل دولت شوروی به او بود.

مصاحبه کیم در زمان کوتاهی بعد از این که سران‌تونی بلانت، مدیر و سرپرست بخش هنری ملکه، افشاء کرد که او رابط اطلاعاتی کیم فیلیپی با خانواده سلطنتی انگلیس بوده است، در ایزوستیا به چاپ رسید. بنا به گزارش منابع داخلی سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس، طراحی انقلاب «مذهبی بنیادگرا» سال ۱۹۸۰ فکر حاصل یک دسته کوچک از ستراتیژیست‌های انگلیس من جمله ملکه الیزابت دوم، و مشاور دینی شخصی ملکه هربرت وادامز صاحب قدرت و

رئیس بخش خارجی کلیساهای پروتستان و نیز رؤسای قدیمی اس.او.ای در کانادا، به‌اضافه گروه برجسته «حواریون کمبریج» برگس، مکین، فیلی و انتونی بلانت بود. هم‌اکنون یک شبکه اطلاعاتی، بلوک شرق را زیر نظر خود اداره می‌کنند. وقتی بعضی از منتقدان داخلی در انگلیس سعی بر مخالفت با این انقلاب مذهبی احمقانه و جنون‌انگیز را داشتند، حوادث عجیب و غیرمترقبه‌ای رخ داد.

لرد مونت باتن به قتل رسید، اسقف اعظم کانتبری انگلستان غیر مترقبه مرد، و جای او به وسیله یک فردی که به آزادی مذهبی و همین‌طور به انقلاب‌های مذهبی اعتماد مبرم داشت پر شد. همچنین کلیسای انگلیکن و دین آزادی مذهب عیسوی بخش کاتولیک رُم برای نزدیک شدن با هم وارد مذاکره شدند. من جمله برای اولین بار کلیسای پروتستان تأیید کرد که ولیعهد انگلیس می‌تواند با یک مسیحی کاتولیک ازدواج کند. از طرفی ظاهراً مخالفان انقلاب‌های مذهبی افشاء کردند که سر آنتونی بلانت رابط اطلاعاتی کیم فیلی برای خانواده سلطنتی بوده است. و این خود آن شایعه را که فیلی یک کمونیست وفاداری است که از طرف شوروی به داخل دستگاه اطلاعاتی انگلیس نفوذ کرده، برای همیشه باطل کرد. کیم فیلی در این مرحله به عنوان یک جاسوس سه جانبه انگلیس بود که به ظاهر به عنوان جاسوس شوروی در دستگاه حاکمه انگلستان نفوذ کرده بود.

در یک وضعیت عادی، مقامات شوروی براساس ادعاهای آنتونی بلانت شواهد کافی دارند که یک چنین شخصی مانند فیلی را تیرباران کنند. نه تنها چنین اتفاقی رخ نداد، بلکه در عوض دولت جماهیر شوروی، در یک مصاحبه پیش بینی نشده، که در ایزوستیا بچاپ رسید، اعتماد خود را نسبت به فیلی نشان داد. ما احتمالاً به جزئیات هرگز پی نخواهیم برد، که چه چیزی باعث این مصاحبه شد. به طور عادی، به هر حال آنچه که معلوم است، نوعی قرارداد بین دولت انگلیس و مقامات شوروی بسته شد مبنی بر این که ایران را ناآرام کرده، شاه سرنگون شود، آیت‌الله خمینی به جای او بر سر قدرت گذاشته شود، و نفوذ امریکا از ایران قطع شود. انگلیس از طرفی، به طور ستراتیژیک نیز از این تجربه استفاده خواهد کرد که انقلابات مذهبی دیگری در کشورهای دیگر جهان به راه اندازد. اتحاد جماهیر شوروی که تا این اندازه تحت تأثیر قدرت مذهب نبود، در نظر داشت که از ملاحا برای تضعیف و نابودی قدرت نظامی امریکا در خلیج استفاده کند.

بنابراین، توافقی بین فرماندهان عالی پر قدرت کاملاً نظامی شوروی و بازیگران پیچیده انگلیس ترتیب داده شد، اما به هیچ وجه کاربرد دیدگاه اسلحه بنیادگرانی مذهبی ارایه شده به توسط انگلیس مورد قبول شوروی نبود. برژینسکی، برای مثال، از طرفی دیگر مطمئن است که بنیاد گرایی اسلامی، قدرت نظامی امریکا را نهایتاً در خاورمیانه فرو می‌پاشد. انگلیس با دیدگاه بین نا بینی، پیش‌بینی می‌کند که هم شورای امنیت ملی امریکا و هم شوروی بر روی خمینی بیشتر، علیه شاه حساب خواهند کرد. بنابراین بین چهار سرویس مشهور اطلاعاتی قوی در جهان که عبارتند از: ک.ج.بی، سی.آی.ا، موساد اسرائیل و سپس انگلستان و هر کدام از جهاتی دیدگاه‌های متفاوت برای پشتیبانی از خمینی داشتند، همکاری ترس آور عجیب ناخواسته ای برای رساندن خمینی به قدرت شروع شد.

فردی که شهرت و شخصیت او براحتی این ارتباط چند جانبه را می‌توانست به هم پیوند دهد کیم فیلی بازیگر اصلی SIS انگلیس بود که اطلاعات مخفی سی.آی.ا را خائنه به ک.ج.بی واگذار کرد. کیم فیلی از طرفی استاد و دوست ندی کولک از موساد، و معلم و دوست نزدیک جیمز انگلتون رئیس دفتر رابط سی.آی.ا و اسرائیل بود. با اینحال، ظهور دوباره کیم فیلی در انظار عمومی همزمان بود با رسیدن خمینی مانند یک شهاب، که همه را گول زد. کلید شناسایی جنرال کیم فیلی به ک.ج.بی، پدرش هنری سنت جان فیلی بود که رئیس ستراتیژیست انگلستان برای جهان مسلمانان برای مدت چهل سال و مغز راهنمای دفتر کشورهای عربی در سازمان اطلاعاتی انگلیس در طول تمام عمرش بود. او

آخرین پنج سال عمرش را صرف انتقال اطلاعات و شبکه‌ اطلاعات و ارتباطات خود، به پسرش کیم کرد. فیلی، پدر و پسر با هم به هیچ وجه در جهانی که ستراتیژیست‌های اطلاعاتی عیسوی انگلیس با رادیکال‌های مارکسیست مانند بوخارین، عامل ک.جی.بی آشنا و هم صحبت می‌شدند، نبودند.

ادامه دارد